

زبان حماسه و اسطوره در اشعار پروانه نجاتی نگارش لغة الملحمة والأسطورة في قصائد پروانه نجاتی

The language of epic and myth in the poems of Parwaneh Najati

أ.م.د. محمد مصلى مهدي صالح

.Mohammed Mosleh Mahdi Saleh DR

MohammedMuslih78@gmail.com

الملخص

يعد الدفاع المقدس وأدبه ، من وجهة نظر الشعراء ، هو صورة واضحة ومعبرة عن معاناة وجراح ومقاومة وشجاعة الشعوب . لطالما كانت خوزستان مسقط رأس الشعراء العظام ، ووفقاً لتلك المعطيات عمدت مجموعة من هؤلاء الشعراء على تحريض الشعب على حضور الجبهات من خلال وصف شجاعة المحاربين وتأثيرها على الحروب ، حيث كتبوا القصائد التي تعكس أحوال الناس في ذلك الوقت وموضوعات أخرى متعلقة بالحرب أيضاً . تعد الشاعرة پروانه نجاتی واحدة من الشعراء المعاصرين المحافظين ، والتي خصصت جزء كبير من قصائدها لموضوع الدفاع المقدس ، من خلال استخدام لغة بسيطة وعاطفية ، تمكن من خلق أسلوب خاص في كلامها ، من خلال فحص هذه المجموعة من قصائده ، يمكن للمرء أن يحصل على الملامح الرئيسية لشعر هذا الشاعر . ونظراً للمكانة المتميزة التي تتمتع بها هذه الكاتبة في مجال خطابات الدفاع المقدس ، فقد تمت كتابة هذا البحث الحالي بأسلوب وصفي تحليلي مع نهج استنتاجي ومن خلال الاعتماد على الدراسات المكتبية . تشير النتائج الحالية من طريقة الكتابة للشاعرة پروانه نجاتی إلى ان اصل هذه الشاعرة المعاصرة من خوزستان ، لذلك تأثرت قصائدها بملاحم الجهاد المقدس ، لذلك يمكن القول أن شعر پروانه نجاتی هو ذو نظرة أيديولوجية ، يجعل تفسير شعرها مقبولاً بناءً على الواقع الذي يكشفه في اختيار اللغة الخاصة والتعبير اللافت للنظر والصور الفلكية الناجحة ويعطي شعرها هوية في مجال الدفاع المقدس . بناء على ما تقدم يمكن القول ، من حيث المضمون تعبر قصائد تفاخر الوقوف ضد هجوم الأعداء والحفاظ على استقلال البلاد هي أحد الإنجازات القيمة للدفاع المقدس . وبهذا المعنى يمكن للقارئ أن يفهم بسهولة الهموم الإنسانية المقدسة في قصائدها من كلمات والدة الشهيد وزوجة الشهيد وأخت الشهيد . التي تُظهر في قصائدها ملحمة سنوات الدفاع المقدس .

الكلمات المفتاحية: حرب، دفاع مقدس، ملحمة، أسطورة ، پروانه نجاتی.

Summary

The sacred defense and its literature, from the point of view of the poets, is a clear and expressive picture of the suffering, wounds, resistance and courage of peoples. Khuzestan has always been the birthplace of the great poets, and according to these facts, a group of these poets incited the people to attend the fronts by describing the bravery of the warriors and their impact on wars. The poet Parwaneh Najati is one of the conservative contemporary poets, who has devoted a large part of her poems to the topic of sacred defense, through the use of simple and emotional language, he managed to create a special style in her speech, by examining this collection of his poems, one can get the main features for this poet's poetry. In view of the distinguished position that this writer enjoys in the field of sacred defense discourses, this present paper has been written in an analytical descriptive style with a deductive approach and by relying on library studies. The current results from the writing style of the poet Parwaneh Negati indicate that the origin of this contemporary poet is from Khuzestan, so her poems were influenced by the epics of holy jihad. The striking expression and successful astrological images give her poetry an identity in the field of sacred defense.

Based on the foregoing, it can be said, in terms of content, poems boast about standing against the attack of enemies and preserving the country's independence is one of the valuable achievements of the sacred defense. In this sense, the reader can easily understand the sacred human concerns in her poems from the words of the martyr's mother, the martyr's wife, and the martyr's sister. Which shows in her poems the epic of the sacred defense years.

key words: War, sacred defense, epic, legend, Parwaneh Nejati.

دفاع مقدّس، تفسیر شعر او را بر مبنای واقعیتهایی که باز مینماید، پذیرفتنی می‌کند. انتخاب زبان ویژه، بیان کوبنده و تصویرپردازی موفق نجومی به شعر او در حوزه دفاع مقدّس هویت میبخشد. می‌توان گفت که مفاخری به لحاظ درون مایه شعری، ایستادگی در برابر هجوم دشمنان و حفظ استقلال کشور را از دستاوردهای ارزشمند دفاع مقدّس می‌داند. به این معنا که خواننده به راحتی در شعر هایش که از زبان مادر شهید، همسر شهید و خواهر شهید به و آگویه داغ و دغدغه‌های مقدس انسانی پرداخته است را درک می‌کند. در شعر هایش حماسه آفرینی سال‌های دفاع مقدس را به رخ میکشد.

کلید واژه: جنگ، دفاع مقدس، حماسه، اسطوره، پروانه نجاتی

مقدمه

پروانه نجاتی شاعری پرتلاش و پرکار در حوزه ادبیات پایداری است، بخاطر آثار ارزشمندش در حوزه ادبیات پایداری، او را «بانوی شعر شهدا» و «بانوی شعر جنگ» نامیده‌اند. که از این بین مجموعه غزلیاتش به نام داغ و دغدغه بعنوان کتاب سال دفاع مقدس انتخاب گردیده است. لطافت و عاطفه زنانه و مادرانه مولفه شاخص اکثر شعر هایش می‌باشد، البته جنس این داغ و دغدغه از جنس آه و ناله‌های یک زن مستاصل و افسرده نیست

دفاع مقدّس و ادبیات آن، در نگاه شاعران تصویری روشن و گویا از رنج‌ها، آسیب‌ها و مقاومت‌ها و رشادت‌های مردم این مرز و بوم داشته است. خوزستان از دیرباز مهد تولّد شاعران بزرگی بوده است که جمعی از آنان به تبع پیشامدها و تأثیرات جنگ درباره رشادت‌های رزمندگان، تحریک مردم برای حضور در جبهه‌ها، انعکاس احوال مردم آن دوران و درون مایه‌های دیگر مرتبط با جنگ اشعاری سروده‌اند. پروانه نجاتی از زمره شاعران متعهد معاصر است که بخش کثیری از اشعارش به موضوع دفاع مقدس اختصاص یافته است. وی با به کارگیری زبان ساده و عاطفی توانسته سبک ویژه‌ای را در سخنش ایجاد کند. با بررسی این دسته از اشعار او می‌توان به ویژگی‌های اصلی شعر این شاعر دست یافت. به دلیل جایگاه ممتاز این ادیب در حوزه مکتوبات دفاع مقدس، نگاره کنونی به شیوه تحلیلی-توصیفی با رویکرد استنباطی و با استمدادجستن از مطالعات کتابخانه‌ای، به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های حاصل از قلم فرسایی کنونی بیانگر آن است که از آنجا این شاعر معاصر اهل خوزستان بوده، بر همین اساس اشعارش از حماسه‌های جنگ دفاع مقدس تأثیر گرفته، به نحوی که می‌توان گفت شعر پروانه نجاتی جولانگاه ایدئولوژی اوست. پایبندی سرسختانه او به ایدئولوژی و نزدیکی زبان شاعر به رخدادهای هشت سال

که در نهایت به ایستایی و رکود ختم می‌شود، بلکه این «داغ و دغدغه» بر آمده از ایمانی روشن و امیدی درخشان است که بشارت نصر و پیروزی را با خود به همراه دارد. نجاتی بر بلندای قامت شعر، رسالتی زینب‌گونه را به دوش می‌کشد و همچون پیامبر کر بلا «داغ و دغدغه» را با لهجه زیبایی ترجمه می‌کند. او هرگز به دنبال این نیست که با شعر خود خواننده را به تأثرات عاطفی مبتلا کند و صرفاً با تحریک احساسات او را به سوگ عزیزانش بنشانند و دریغاگوی شهیدان سر بلند باشد. او به دنبال در اندیشه فرو بردن مخاطبی ست که گرد و غبار غفلت بر آینه فطرتش نشسته است و در برزخ «از کجا آمده ام، آمدنم بهر چه بود؟!» دست و پا می‌زند و جوابی نمی‌یابد.

شاعر در تکاپویی عاشقانه پا در راه می‌نهد و امیدوار به رفتن و رسیدن می‌اندیشد:

در من کسی ست عاشق و شیدا و بی قرار

تا این گدازه هست، شکبیا نمی‌شوم

(نجاتی، ۱۳۸۷، ص ۷۸)

نجاتی رسالت خود را باز آفرینی هنرمندانه حماسه‌هایی می‌داند که عاشورا، مردان راست قامت با جوهر خون بر سینه زمان حک کردند و امروز در هیاهوی روزمرگی بر طاقچه عادت به فراموشی سپرده می‌شود:

امروزه‌ای ما همه آکنده از تو باد
مدیون صبر تو، تو که فردا نداشتی

(نجاتی، ۱۳۸۸، ص ۲۴)

شاعر در بعضی از غزل‌های خود، نقبی نیز به اجتماع و مناسبات غلط اجتماعی می‌زند و از نا هنجاری‌ها و دردهایی می‌گوید که چون خوره بر جان انسان معاصر افتاده و او را از اصالت‌های انسانی و توحیدی تهی می‌کند:

زمین ز بتکده‌ها پر شده ست، ابراهیم
دوباره دور تفاخر شده ست، ابراهیم

دمیده بر ریه شهر دود تلخ ریا
و روزگار تظاهر شده ست، ابراهیم

(نجاتی، ۱۳۸۷، ص ۱۹۴)

نجاتی شاعری رسالت مدار، درد آشنا و آرمان گراست. البته آرمان گرایی او ریشه در واقع بینی دارد و صرفاً بر اساس ذهنیات دور از واقعیت نیست. هدف شاعر از بیان دردها و دغدغه‌ها، گرفتن پز انقلابی گری نیست بلکه بیشتر با هدف اصلاح گری و ساماندهی وضع موجود برای فتح قله موعود است. جان کلام آن که «پروانه نجاتی» شاعری از نسل «داغ و دغدغه» است. دغدغه‌هایی زلال، مقدس و انسانی. اشعار وی از این منظر قابل تأمل است که در بر دارنده تألمات مسئولانه یک بانوی شاعر مسلمان در قبال جامعه و جهان است، جامعه‌های که به هر علت به سمت و سوی استحاله‌های فرهنگی پیش می‌رود و شاعر با نگرانی شاهد این استحاله است و همچون شمع

می‌سوزد و گدازه‌های دلش را شعر می‌کند. چنان که خود می‌گوید: «... خاکستر زنی که گر می‌گیرد و شعر می‌جوشد. بغض می‌کند و شعر می‌خواند و حس می‌کند اگر نسراید مدیون است.»

سیر تحول و تطور انعکاس اسطوره‌شناسی در ادبیات ایران

اسطوره در ادبیات فارسی پیشینه‌ای بس دیرینه‌ای دارد و بخش گسترده‌ای از ادبیات این مرز و بوم را تشکیل می‌دهد. اسطوره‌ها بیانگر حقایق نهفته است. زبان نمادین و اسطوره‌ای، در شعر معاصر جایگاهی درخور یافته است. اسطوره‌ها در هر سرزمینی بخشی از هویت، تمدن و فرهنگ آن سرزمین به شمار می‌روند و شاعران با بهره‌گیری از آن‌ها، افزون بر اینکه شعر خود را هنرمندانه‌تر می‌سرایند، می‌توانند دغدغه‌ها، دل‌مشغولی‌ها و خواسته‌های خود را از طریق آن‌ها با زبانی غیرمستقیم به جامعه منتقل کنند. باتغییر معنای اسطوره در طول تاریخ، شاعران معاصر ایرانی از جمله پروانه نجاتی (شاعر معاصر) نیز از به‌کارگیری اسطوره‌ها غافل نبوده و کوشیده است از این طریق اهداف خود را بیان کند.

کتابت آثار پروانه نجاتی در آینه تاریخ

پروانه نجاتی در سال ۱۳۴۸ ه. ش در خطه شهید پرور خوزستان شهر «بهبهان» پا به عرصه گیتی نهاد. تحصیلات ابتدایی و

متوسطه را در زادگاه خود گذراند. سپس در دانشگاه شیراز در رشته زبان انگلیسی در مقطع کارشناسی فارغ‌التحصیل شد. وی علاوه بر شغل اصلی که معلمی می‌باشد مسئول «انجمن شعر پروین اعتصامی» در اداره کل ارشاد استان فارس و هم‌چنین نماینده شعر بانوان ایران در همایش شعر بانوان جهان در کشور بلغارستان بوده است. (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۳۴)

هفته مجموعه مستقل شعر از وی به چاپ رسیده که ۳ کتاب آن جایزه ملی دریافت کرده و شاعری است که ۲۶ سال از عمر خویش را صرف تعلیم و تعلم نسل جوان شعر انقلاب کرده است. او در سال ۱۳۷۳ انجمن شعر زنان شیراز را بنیان گذاشت. که از این میان از می‌توان به مجموعه غزلیاتش خاکستر و پروانه اشاره کرد. از دیگر سروده‌هایش «قناری تریز آواز»، «سوغ سور برادرانم»، «فرشته و انجیر» و «حجره‌های ملکوت»، «داغ و دغدغه»، «زیر پوست شهر» را می‌توان نام برد. وی فعالیت‌های شعری خود را از سال ۱۳۷۰ ه. ش شروع کرد و در سال ۱۳۷۲ ه. ش به استخدام آموزش و پرورش درآمد. ایشان قالب غزل و مثنوی را برای سرودن اشعار خود برگزیده است.

وی به دلیل سرودن اشعار حماسی با موضوع جنگ و سال‌های دفاع مقدس به بانوی شعر شهدا شهرت یافته است. وی از چهره‌های شناخته شده و همیشگی ادبیات دفاع مقدس محسوب می‌شود و در این

زمینه پژوهش‌هایی هم انجام داده است. آنچه مشخص است موفقیت وی در سرودن اشعار با مضامین اجتماعی موفق‌تر از اشعارش در زمینه جنگ دفاع مقدس می‌باشد. غزل‌های اجتماعی ایشان دارای یک خطر روایی است و تصرف‌های غزل متفاوت و هنجارشکن در این اشعار به چشم می‌خورد و بیشتر معناگرا است و در حوزه مضمون کار می‌کند و کمتر شعر صوری دارد ولی در اشعار اجتماعی وی ما صورت نیز می‌بینیم بعلاوه اینکه این اشعار معنا را نیز در خود دارد. خانم نجاتی اگرچه یک خانم است اما اصلاً در هیچ کدام از اشعارش یک زن نمی‌بینید، یعنی در شعر هایش نه از آسپزی خبری است، نه صدای چرخ خیاطی می‌آید و نه امثالهم او با دردهای اجتماعی شعر می‌گوید، نه با دغدغه‌های یک زن، بلکه به عنوان یک انسان معاصر شعر می‌گوید. وی به عنوان یک رجل معاصر فارغ از جنس زن یا مرد دغدغه‌های یک انسان معاصر مسلمان متعهد به انقلاب جمهوری اسلامی ایران را می‌گوید. سروده‌های اجتماعی وی زنانه است، و آسیب‌های اجتماعی حول محور زنان می‌گردد. درباره نجاتی و اشعار و سبک شعر و بیان او تاکنون پژوهشی مستقل انجام نشده است، تن‌ها در دو مقاله در حوزه ادبیات پایداری به شعر او پرداخته شده است. (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۳۷).

تبلور شور انقلابی در دنیای ادبی پروانه نجاتی

به طور کلی شعر اعتراضی سرودن در دیدگاه برخی از اندیشه‌ها مخالفت با انقلاب تلقی می‌شود و از نظر برخی نیز کسی که معترض است باید به همه چیز اعتراض کند و عرف جامعه را زیر سؤال ببرد و کسی که اینطور نباشد از هر دو گروه مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد و کسی از او حمایت نمی‌کند. شعر نجاتی، شعر منظور و مطلوب ادبیات حوزه هنری است و او را در کتاب‌های تحلیلی خویش از ادبیات انقلاب بارها تجلیل، تحسین و تقدیر کرده است. (صفوی، ۱۳۹۰، ص ۱۹)

نجاتی یک انقلابی است و همین عشق و علاقه از او شاعری انقلابی ساخته است و دغدغه‌هایش را میسرآید و اصلاً شاعر انقلاب یعنی کسی که به کاستی‌های اجتماعی معترض باشد و در عین حال همراه انقلاب باشد. بازی زبانی در شعر نجاتی بسیار ظریف است، ضمن اینکه این اشعار به شدت تجلی پروانه نجاتی است، یعنی اگر کارهای دیگر نجاتی را سفارشی بپنداریم اما در حوزه اشعار اجتماعی این موضوع باورپذیر نیست بلکه نجاتی در اشعارش که به موضوعات اجتماعی پرداخته است از اجتماع سفارش گرفته است. لهجه زنانه و مادرانه وجه بارز شعر ایشان است و نگاه مادرانه به جایگاه دفاع مقدس و پایداری از شاخص‌های شعر ایشان است.

جاری بودن زندگی، خط‌شکن بودن در برخی موضوعات، موضع داشتن در مسائل

روز از ویژگی‌های شعر نجاتی است. اعتراض در اشعار نجاتی به شیوه خود اعتراضی بیان شده است، زیرا با این روش از زهر اعتراض کاسته می‌شود. وقتی انسان خود را مخاطب اتهام و اعتراض قرار می‌دهد تاثیر آن بیشتر می‌شود، که این خود اتهامی دارای مضمون گسترده در ادبیات انقلاب اسلامی است. نجاتی در اشعار اجتماعی‌اش موفق‌تر از اشعار دفاع مقدسی‌اش می‌باشد و نقاط برجسته کمتری نسبت به اشعار اجتماعی‌اش دارد.

بسیاری از شعرهای نجاتی دارای فراگیری بسیار است و سیاسی‌ترین اشعار وی نیز خواستگاه آن‌ها فقط شعر است. انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در نقش‌آفرینی زنان در جامعه تاثیر بسزایی داشته و این نقش‌آفرینی مهم بوده است. (مرادی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶)

رویکرد حماسی در ادبیات شعری آثار پروانه نجاتی

گرایش اصلی پروانه نجاتی شعر عاشقانه است، شعر این شاعر مذهبی را از توصیف صرف احساسات شاعرانه جلوتر برده و همین مبحث، حقیقتی را که در شعرش انعکاس داشته است، مورد قبول می‌کند. (نجاتی، ۱۳۸۷، ص ۵۸)

به طور کلی زبان شعری نجاتی ساده و دوستانه است، زبانی سازنده و محرک که برگرفته از اصطلاح گفتگو و بدون اغراق و تملق است. اشعارش شنونده را به تامل تحریک می‌کند و بسیار آسان با او ارتباط

بعمل می‌آورد؛ به راستی، نجاتی بیانگر، حوادث حماسی دفاع مقدس برای شنوندگانی است که هرگز روزهای فداکاری و شهادت را درک نکرده‌اند. انتخاب زبان متداول نیز در تعدادی از سروده‌های او با همین نیت صورت گرفته است.

انقلاب با هویت اسلامی، پیشوای مذهبی و دیدگاه‌های ارزشی باعث شد تا لغات و واژگان، مفاهیم و استنباط‌های عرفانی در تالیفات ادبی، جانی تازه یابند. ارتباط دانسته‌های مذهبی با اثر پذیری از انقلاب اسلامی و اندیشه‌های عرفانی، باعث شد تا ادبیات انقلاب با واژگان و تعبیر عرفانی در هم آمیزد و ارتباطی ژرف پیدا کند. پروانه نجاتی از جمله شاعرانی بود که در اصل از زبان عرفان برای اظهار افکار خود استفاده کرده است. با این وجود ادبیات عرفانی نجاتی به نوعی کلیشه‌ای است و با وجود تلاشش برای پیدارساختن اندیشه‌های اجتماعی و تفصیل دغدغه‌های خاص ذهنیتی مذهبی نتوانسته است به زبانی جدید دست یابد.

اصطلاحات و واژگان حماسی در اشعار پروانه نجاتی

در شعر نجاتی، لغات و ترکیبات وابسته به دفاع مقدس نمود زیادی دارد. استعمال زیاد این لغات، به شعر او اعتبار سبکی بخشیده است. می‌توان نوع جهان بینی شاعر را از استفاده پیاپی این لغات و واژگان تشخیص داده، به عبارتی، لغات و ترکیبات وابسته به

دفاع مقدس، شکلی صریح از وابستگی خاطر او به دستاوردهای دفاع مقدس و ارزش گذاشتن به رزمندگان، جانبازان و شهداست. به عده ای از این ترکیبات و لغات اشاره می‌شود:

جبهه، جنگ، تفنگ، شهادت، چفیه پوش، دودهای شیمیایی، پلاکت، شهیدان، پاسدار، سیاه، والفجر ده، بیجی، کربلای چهار، پنجمین کربلا، سنگر نشین، رزم آوران، گل‌های پرپر، سردار عشق سنگر، طعم جبهه. با آگاهی به این عقیده که معنا وجود فیزیکی ندارد؛ بعلاوه نمونه ویژه اندیشه است؛ اما دلالت ما را به حقیقت متصل می‌کنند، روح زبان حرکت معنای ذهنی به دلالت و گواه واقعی است، عبور از مفهوم به گواه است. کرد عمل این لغات در ارتباط با مفهوم اثربخشی خود را آشکار می‌سازد. پافشاری شاعر بر استعمال پی در پی این لغات، مبین انس روحی و عاطفی او با مصادیق و افکار مقدس است. در شعر نجاتی، استفاده از اهداف زبانی در اتصال با مفهوم کلام توجیه می‌پذیرد و شاعر انقدر توجهی به بازی‌های زبانی نشان نمی‌دهد. (نجومی. ۱۳۸۹. ص ۱۷۲)

طبع آزمایی شعری و ساختارمندی در ابیات و سروده‌های نجاتی

بیشترین سبک استفاده شده در اشعار، نجاتی به دو شکل، غزل و مثنوی سروده شده‌اند. او از گنجایش این اشکال برای بیان معانی معنوی و روحانی بهره می‌برد. بعضی از غزل‌های این شاعر را می‌توان در حیطه غزل‌های حماسی توصیف کرد؛ غزل‌هایی که قبل از انقلاب هم در ادبیات فارسی رواج داشته‌اند؛ لیکن پس از انقلاب با تأثیر پذیری از هیجانات انقلابی مردم و دفاع رزمندگان از قلمرو کشور، رنگ و بویی تازه گرفتند. نرمی و لطافت تغزل و تنومندی حماسه سرایی در غزل‌های انقلاب، تکمیل‌کننده یکدیگرند؛ اگر چه باید توجه داشت که انتساب نام غزل حماسی به این قسم ادبی، نتیجه معادل گرفتن برشهای متفاوت تغزلی و حماسی نیست. غزل، گسترده ترین جویانگه شعر حماسی و دفاع مقدس است. از ابتدای انقلاب و دفاع مقدس تا به اکنون، غزل با تمام گنجایش و استعداد هایش در خدمت ارزش‌ها، باورها و عواطف و احساسات نسل انقلاب قرار گرفته است.

سهم من از تو مشت خاکی بود	دل پر از غصه چاک چاکی بود
بعد یک انتظار طاقت سوز	چفیه کهنه و پلاکی بود
آنچه از سنگر تو آوردند	دفتر خاطرات و ساکی بود
گفتمت اندکی تأمل کن!	بین عقل و دل اصطکاکی بود

(نجاتی. ۱۳۸۳. ص ۹۱)

مثنوی از قالب‌های شعری، که در بسیاری از سروده‌های نجاتی قابل توجه است. ظرفیت این گونه ادبی به نجاتی، این قدرت را بخشیده است تا بازگوکننده داستان‌های حماسی جنگ و اسطوره

تجلی ارزش‌های مجاهدت‌های جانبازان و پاکبازان در کلام پرانه نجاتی

نجاتی از ارزش و عزت جانبازان در بین افراد جامعه، بی‌آلایشی، خلوص، پارسایی اهالی جبهه و صداقتشان به عقاید و ارزش‌های زمان انقلاب سخن می‌گوید و درد و رنج و مشقت‌های ایستادگی در جبهه‌ها را وصف می‌کند. افکار و احساس در شعرهای نجاتی در کنار هم در حرکت‌اند و غزلهایش نشان از عاشقانه‌ها و افکار اوست. (حسن لی، ۱۳۸۳، ص ۲۸) این شیوه اندیشه نشأت گرفته از روحیه انقلابی و مکتبی اوست. نجاتی با به کارگیری به جا از واژگان و لغات و نمادهای دفاع مقدس در شعر، دوران جنگ را به شونده خود خاطر نشان می‌کند.

سرفه کرد و از کنار من گذشت جفیه پوش
آشنای این محل او هنوز سربه زیر و ساده
است شیرمرد با خدای این محل

سطوری در رثای اسطوره‌ها

استفاده از اساطیر در شعر شاعران ایرانی، با توجه به قدمت تاریخی و فرهنگ غنی این سرزمین قدمت بسیاری دارد. شاعران از گذشته‌ی دور با استفاده از عناصر اسطوره‌ای در جهت غنابخشی به شعر خود تلاش نموده‌اند. بعد از ورود اسلام و آغاز دوران جدیدی در شعر فارسی، شاعران با استفاده از اساطیر، شعر خود را حیاتی

سازی از اشخاص را داشته باشد. به نظر می‌رسد واژه‌های او در مثنوی، اسطوره‌هایی جدید آفریده است. مسئولیت برجسته به دوش دارند: ۱- پیکار با ناپاکی و تعدی ۲- زنده نگه داشتن یاد بود شهیدان، جانبازان و رزمندگان: نجاتی در شعرهایش با برگزیدن آهنگ پایدار و بکارگیری لغات هیجان انگیز برای تحت تاثیر قرار دادن عواطف شنونده و اتصال به آماج ارزشی و ایدئولوژیک مقصود خود تلاش کرده است. برگزیدن اوزان عروضی متناسب مانند (مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن) و (مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فعلن) و اوزان تازه برای بیان ظرفیت‌های دفاع مقدس و یادآوری یادمان‌های جنگ از تدبیرهای ویژه، نجاتی است: (مرادی، ۱۳۸۹، ص ۱۴)

مفهوم و ماهیت عام سروده‌های پروانه نجاتی بیانگر این است که مفهوم زندگی تغییر پیدا کرده و شاعر در غم روزهای سپری شده دوران انقلاب و جنگ است. او با ابراز خصایص و اسطوره‌های نبرد (شهدا) و یادکرد خاطرات آنها در گیرودار زندگی رایج تا اندازه‌ای این دلهره که در حال غفلت و زوال هستند را از میان برداشته است؛ به راستی، تمام غایت و غرض نجاتی از شعر، عودت دادن، خصلت‌های خوب و ابداع اتصال حماسی پایدار فی مابین ذوق و شوق انقلابی روزهای جنگ با دشمنان و حال و هوای امروز است.

دیگرگونه بخشیدند. با آغاز دوران مشروطه، اساطیر با کارکردهای جدیدی چون مفاهیم اجتماعی و سیاسی در شعر فارسی حیاتی دوباره یافتند. (امامی، ۱۳۷۷، ص ۲۱۷)

اسطوره، در اکثر جوامع الهام بخش شاعران و نویسندگان بوده است و شاعران و نویسندگان در هر زمان با توجه به ضروریات زمان و مقیاس قبول در آن زمان، از آن نصیب برده اند. به همین دلیل است که در برهه از زمان اسطوره‌ها به دیده احترام و در دوره‌ای خوار و پست نگریسته شده‌اند. یکی از این دوران، زمانی است که از آن به عنوان ادبیات دفاع مقدس و یا ادبیات جنگ نام برده می‌شود. شاعران و نویسندگان دوران دفاع مقدس از اسطوره‌های ملی و مذهبی در بیداری روحیه مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن بهره جسته‌اند. نشانه‌ها و اسطوره‌ها در شعر این زمان به مانند یک رسانه عمل کرده‌اند.

تشویق شهنوده به حضور در میدان نبرد در اکثر مواضع مدیون همین نمادها و اسطوره‌هاست. شاعران معاصر نیز با استفاده از تجربه‌ی شاعران دوران مشروطه در تطابق با ذهنیات خویش و نیاز جامعه به آفرینش اسطوره از نمادهای طبیعی، اجتماعی و قومی مذهبی ایرانی و غیرایرانی می‌پردازند و براساس باورها و دنیای آرمانی خویش به بازآفرینی اسطوره‌ها روی می‌آورند. در

ادبیات معاصر و شعر نو، شاعران به دو علت به شعر نمادین و سمبولیک روی می‌آورند: یکی شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه و استبداد و اختناق شدید حاکم بر فضای آن. دوم مقتضیات هنری، روی هم رفته رعایت جانب احتیاط و مصلحت از سوی شاعران در بیان عقاید و اندیشه بود. اما عامل مهم دیگر، که شاعران معاصر را به کاربرد اشعار نمادین و سمبولیک واداشت، مقتضیات هنری بود. شاعر امروز با پیراستن غبار تقدس از اسطوره، آن را جلوه‌ای دیگرگونه می‌بخشد که این موضوع با معنای نخستین اسطوره تطبیق ندارد. در واقع، شاعران معاصر برداشت و روایت خود را از اسطوره ارایه می‌دهد. اشعار نجاتی هم از این قانده مستثنی نیستند.

ایشان از شعر عاشقانه شروع کرده و بعد از گذر از گونه‌های مختلف به شعر اعتراض اجتماعی رسیده است. نجاتی از نظر شعری در محورهای مضمونی دارای یک جایگاه رفیع است و دغدغه‌ای جز انتقال باورهای خود در سر ندارد شعر نجاتی دارای ردپای خاص نیست و تحت تاثیر شعر کسی نیست حتی از شعرای مرد نیز در شعرش وجود ندارد. وی حتی با تنوع بخشیدن به موضوعات و مضامین قالب شعری را جبران کرده است. از معدود شاعرانی است که یک مجموعه مستقل با موضوعات اجتماعی دارد اما نجاتی در مجموعه «زیر پوست شهر» که سوره مهر

آن را چاپ کرده است یک مجموعه اشعار اجتماعی با موضوعات فقر، ایدز، فرارو غیره می‌باشد (فتوحی، ۱۳۹۱، ص ۸۶)

غزل‌های اجتماعی نجاتی دارای یک خط روایی است و تصرف‌های غزل متفاوت و هنجارشکن در این اشعار به چشم می‌خورد. نجاتی بیشتر معناگرا است و در حوزه مضمون و مفهوم کار می‌کند و کمتر شعر صوری دارد ولی در اشعار اجتماعی وی ما صورت نیز می‌بینیم بعلاوه اینکه این اشعار معنا را نیز در خود دارد. وی از اجتماع سفارش گرفته است، بازی زبانی در شعر وی بسیار ظریف است ضمن اینکه این اشعار به شدت تجلی نجاتی است. او در اشعار اجتماعی‌اش از اجتماع سفارش گرفته است. سروده‌های اجتماعی اش در خصوص زنان و آسیب‌های اجتماعی وارده بر آنان می‌باشد و بوی زنانگی می‌دهد.

یکی از وجوه شعر نجاتی که بسیار با اهمیت است مقوله جنگ است. این موضوع از وجوه مختلف قابل بررسی است. اما فقط جنگ در اشعار وی مورد توجه نیست بلکه مسائل دیگر چون آسیب‌های اجتماعی نیز در شعر وی وجود دارد. توجه به مسائل اجتماعی در میان زنان بسیار کم‌رنگ است ولی ایشان اصلاً به این موضوعات بی‌توجه نبوده‌اند. اشعار اجتماعی ایشان دارای یک ویژگی است، ایشان در اشعارشان عواطف و احساسات را مورد اشاره قرار داده است.

رویکرد عهده‌نجاتی در شعر استفاده از روایت است و در کنار این عنصر عاطفه را به صورت قوام یافته استفاده کرده‌اند و همین عنصر عامل ماندگاری شعر ایشان است. توصیف، یک ویژگی ذاتی شعر ایشان است و این موضوع به شدت در شعرشان وجود دارد که این موجب می‌شود که شعرشان نرم شود و از سختی‌های ایدئولوژیک کاسته شود. (کافی، ۱۳۸۹، ص ۴۸).

بهره‌مندی از عاطفه زنانه ویژگی شعر ایشان است که با تسلط از آن بهره برده شده است. اشعار وی پیوند خاصی با فرهنگ عامه دارد و از این پیوندها استفاده شده که موجب نزدیکی خواننده با شعرش می‌شود. با وجود نگاه شدید ایدئولوژیک در اشعارشان، ما شاهد یک شعر خاص از ایشان هستیم که رد پای وی در شعرش وجود دارد و اشعارش خاص خودش است. لهجه زنانه و مادرانه وجه بارز شعر ایشان است و نگاه مادرانه به جایگاه دفاع مقدس و پایداری از شاخص‌های شعر ایشان است. وی از هر فرصتی استفاده می‌کند که یاد و خاطره شهدا را زنده نگه دارد تا به همگان بفهماند آرامش امروز، مدیون فداکاری‌ها و رشادت‌ها و از جان‌گذشتگی شهدای عزیز می‌باشد و در اشعارش رنج‌ها و مشقت‌های آنان را در اشعارش به تصویر میکشد. جاری بودن زندگی، خط‌شکن بودن در برخی موضوعات، موضع داشتن در مسائل روز از

ویژگی‌های شعر نجاتی است. ایشان معلم است که همین موضوع نقش مهمی در تربیت شاعران جوان دارد.

حماسه پردازی در اشعار نجاتی

در ادبیات فارسی از نظر موضوع، حماسه به چهار گروه حماسه اساطیری، حماسه پهلوانی، حماسه‌های دینی یا مذهبی و حماسه‌های عرفانی تقسیم بندی میشود، در تعریف حماسه دینی یا مذهبی باید گفت قهرمان این نوع از حماسه، یک شخصیت مذهبی است و اساس داستان بر مبنای اصول یکی از مذاهب است. خانم نجاتی در اشعارش از این نوع حماسه سرایی الهام گرفته است. بازخوانی وقایع عاشورا و بهره گیری از حضرت زینب (س) برای بیان و تاثیر گذاری بهتر وقایع جنگ دفاع مقدس و شرح وقایع آن. شعر حماسی از گذشته تا به امروز یکی از اشکال مهم ادبی بوده است و لکن شعر حماسی با جنگ و قهرمانی‌های مبنی بر آن در آمیخته است. جنگ و نبرد و قهرمان محوری، اگرچه با ادبیات حماسی در آمیخته است، واقعیت این است که این نوع ادبی، علاوه بر کارکردهای رزمی، کارکردهای غیر رزمی هم دارد که در مجموع، این کارکردهای رزمی و غیر رزمی، این نوع ادبی را همچنان خواندنی می‌نمایند. مهم ترین کارکردها برای ادبیات حماسی در عصر حاضر بر این پایه اند :

(الف) تحریک و ترغیب به قهرمانی

(ب) میهن پرستی

(ج) پیکار با دشمن

(د) بزرگداشت و تکریم نام پهلوانان و دلیران

(هـ) آموزش کرامت و نجابت

(و) دشمن شناسی

(ز) هویت سازی

از این جهت بایسته است که انسان در زمان حاضر نیز حماسه بیافریند و حماسه بخواند تا از آن برای حراست و نگهداری از نجابت انسانی خویش، در اشکال مختلف یاری جوید. (صفوی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱)

بنابر مطروحات فوق، اشعار نجاتی سرشار از مفاهیمی چون عشق و معنویت، رشادت و شجاعت، مجاهدت و شهادت می‌باشد و توانسته بدرستی و بجا از آن استفاده کند. اشعار وی در زمینه دفاع مقدس بارها و بارها مورد تشویق و حمایت قرار گرفته است چرا که زبان شعر او ساده و روان و به دور از هرگونه غلو و تقلید بوده است.

«دیروزهای من گستره‌ی سپاس از مردان سبزی ست که رفتند تا امروزهای شکوهمندی را برای من به ارمغان بیاورند. و امروز وابستگان آن‌ها از من میخواهند که دلتنگی‌های آن‌ها را واگویه کنم و واژه‌های من در مقابل آن همه دلتنگی باشکوه چقدر احساس کوچکی می‌کنند.»

مردی که چون سیاوش از آتش گذشت
ورفت تا در نگاه سرخ زمین
روسفید شد

مردی که از محال، مجال آفرید و بعد
تفسیر نا معادله‌های جدید شد
مردی که زیر بارش خمپاره‌های خشم
بر عشق خاکریز زد و ناپدید شد

بعنوان مثال وی در این شعر از سیاوش، که از شخصیت‌های مطرح در شاهنامه فردوسی است اقتباس کرده در بین رشادت‌ها و از خود گذشتگی‌های یک رزمنده، خواننده با خواندن این اشعار و برخورد با اسم سیاوش ناخودآگاه در ذهن به یاد عظمت و بزرگی آن میافتد. وی در اشعارش به بیان دلآوری‌ها و از جان گذشتن‌های شهدای سال‌های دفاع مقدس میپردازد و حماسه آفرینی‌های این دلیرمردان را در غزل‌هایش به زیبایی به تصویر میکشد. از هر فرصتی استفاده می‌کند تا با زبانی ساده و صمیمی و عاطفی یاد و خاطره این دلاور مردان را در غالب شعر زنده نگه دارد.
(مدرسی، ۱۳۹۰، ص ۶۷)

این شاعر معاصر از شیوه آشنا زدایی و ترسیم، تصاویر زیبا از موضوعات جنگ و دفاع مقدس در اشعارش بهره جسته است. در شعر نجاتی احساس و عاطفه مهم ترین عامل زیبا آفرینی است که آگاهانه در اشعارش مورد استفاده قرار داده است و توجه به جزئیات موضوعات از خصایص سخن اوست و زنانگی و لطافت در اشعار وی در نگاه اول قابل مشاهده است. شعر نجاتی از زبانی ساده و روان و صمیمی برخوردار است و بیشتر اوقات به طرح موضوعات دفاع مقدس و جنگ، از دریچه‌ای عاطفی پرداخته است. جلوه اساطیر کهن ایران مانند مفاهیم و شخصیت‌های اساطیری شاهنامه در اشعار دوره جنگ دفاع مقدس نمیتواند اتفاقی باشد، عناصر اساطیری شاهنامه فردوسی کهن از نمونه‌های شعرهای حماسی به شمار میرود. در دوره معاصر ناخودآگاه جمعی شاعران، یاری‌گر آن‌ها در استفاده از این کهن‌الگوها هستند.

مانند پروانه نجاتی شاعر شعر جنگ در دوره «جنگ سال‌های دفاع مقدس» که این کهن‌الگوها را در شعر خود مورد استفاده قرار داده است. هدف نشان دادن ارزش و اهمیت شاهنامه فردوسی در راستای وحدت و یکپارچگی ملت ایران، به ویژه در طی جنگ سال‌های دفاع مقدس است و بازنمایی افتخارات رزمندگان میدان‌های نبرد برای

تداوم یکپارچگی و شکوه و عظمت ایران، تعریف حماسه، کارکرد حماسه در ترغیب ملت در زمان مقتضی مانند زمان جنگ؛ ضرورت و شرایط ایجاد حماسه و نقش آن در ماندگاری رخداد‌های تاریخی و ملی، با در نظر داشتن عامل اصلی مذهب در روند جنگ دفاع مقدس، نمود تعدادی از عناصر اساطیری حماسه ملی ایران، ابزارهای شاعرانه در شعرهای دوره جنگ دفاع مقدس، پهلوئانان بنیادین شاهنامه به عنوان کهن الگوها و اسوه‌های شجاعت و دلاورمردان عرصه‌های نبرد می‌باشد. حماسه سرایی در شعر معاصر با آنچه در اشعار فردوسی قابل مشاهده است تفاوت چشمگیری دارد. شاعران معاصر از جمله پروانه نجاتی با استفاده از رشادت‌ها و دلاوری شهدا در عرصه جنگ به حماسه سرایی پرداخته‌اند. (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۴۲)

مجموعه شعر «در آشیان چکاوک (شعر حماسی)» - غلامرضا کافی و پروانه نجاتی - در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. در این کتاب کافی یکی از شاعران کتاب، دو چهره دارد، ابتدا وی را در قامت شاعری با روحیه نرم و لطیف می‌توان دید اما از بعدی دیگر او شاعری با سبک شاعران خراسانی و زبانی درشت است. از لحاظ محتوا ارزش‌های انقلابی و حماسی در متن کتاب دیده می‌شود. با بیان اینکه زبان شعر نجاتی دیگر شاعر

کتاب، صمیمی و ساده است، و بسیاری از شعرهای خود را در این کتاب به زنان و خانواده‌های شهدا تقدیم کرده که نشانه توجه ویژه به مسائل بانوان است. لازم بذکر است در آشیان چکاوک مجموعه اشعار غلام رضا کافی و پروانه نجاتی از - شاعران شیراز - با محوریت فرهنگ شهادت است.

برآیند

دفاع مقدس و ادبیات آن، از منظر شاعران تندپسی بارز و صریح از مصیبت‌ها، صدمات و شجاعت‌های مردم این سرزمین داشته است. خوزستان از زمان گذشته زادگاه ظهور شاعران بزرگی بوده است که عده ای از آنها به پیروی از حوادث و تأثیرات جنگ در باره‌ی دلاوری‌های رزمندگان، برانگیختن مردم برای حضور در جبهه‌ها، عکس العمل حالات مردم آن زمان و درون مایه‌های دیگر در ارتباط با جنگ شعرهایی سروده‌اند. شعر پروانه نجاتی عرصه ایدئولوژی اوست. پایبندی او به ایدئولوژی و مقارن بودن زبان شاعر به رویدادهای سال‌های دفاع مقدس، تفسیر شعر او را بر اساس واقعیتی که نشان می‌دهد، مورد پسند می‌کند. تعیین زبان خاص، گفتار کوبنده و تصویرپردازی موفق نجومی به شعر او در حیطه‌ی دفاع مقدس ماهیت می‌بخشد. می‌توان گفت که مفاخری از دید مضمون شعری، مقاومت در برابر حمله دشمنان و حفظ استقلال کشور را از

دستاورد‌های ارزشمند دفاع مقدس می‌داند. شعری نجاتی سرشار از عواطف و احساسات می‌باشد و شعر نجاتی دارای ردپای خاص نیست و تحت تاثیر شعر کسی نیست حتی از شعرای مرد نیز در شعرش وجود ندارد. وی حتی با تنوع بخشیدن به موضوعات و مضامین قالب شعری را جبران کرده است. کمتر شاعری سراغ داریم که یک مجموعه مستقل با موضوعات اجتماعی داشته باشد. و سروده‌های اجتماعی اش حول موضوع زنان و مشکلات آن‌ها می‌باشد. وی شاعری انقلابی و از شعرای دفاع مقدس است به همین خاطر به وی لقب «بانوی شعر شهدا» را نسبت داده‌اند.

منابع

امامی، نصرالله. ۱۳۷۷. مبانی و روش‌های نقد ادبی. تهران. جامی
حسن لی، کاووس. ۱۳۸۳. گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. تهران: نشر ثالث.
حسینی، پرویز. ۱۳۹۳. آواز بانوی شط و شرچی «نگاهی به شعر زنان خوزستان». کاشان. نشر شاسوسا.
صفوی، کوروش، ۱۳۹۰. از زبان شناسی به ادبیات. شرکت انتشارات سوره مهر، چاپ چهارم.

فتوحی، محمود. ۱۳۹۱. سبک

شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها.

تهران: سخن.

کافی، غلامرضا. ۱۳۸۹. شناخت ادبیات انقلاب اسلامی. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

مدرسی، یحیی. ۱۳۹۰. درآمدی بر جامعه شناسی زبان. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

مرادی، محمد. ۱۳۸۹. جریان شناسی غزل شاعران جوان استان فارس در سال‌های پس از جنگ. شیراز: بنیاد فارس شناسی.

نجاتی، پروانه. ۱۳۸۱. گزیده ادبیات معاصر. تهران. کتاب نیستان.

نجاتی، پروانه. ۱۳۸۳. لحظات عاشقانه یک زن. شیراز: نویدشیراز.

نجاتی، پروانه. ۱۳۸۷. داغ و دغدغه. شیراز: نوید

نجاتی، پروانه، ۱۳۸۱، گزیده ادبیات معاصر. تهران: کتاب نیستان.

نجاتی، پروانه، ۱۳۸۷، زیرپوست شهر. تهران: انتشارات سوره مهر

نجاتی، پروانه، ۱۳۸۸. غزل‌های ماه. تهران. انتشارات تکا.

نجومی، افسانه. ۱۳۸۹. نمای درشت (آنتولوژی شعر زنان خوزستان). اهواز

انتشارات ترآوا.